

خلافت معاویه دؤم اموی

معاویه پسر یزید بن معاویه در حدود سال‌های 39 تا 44 قمری، از زنی به نام "امّ هاشم بنت اُبی هاشم بن عتبّه" اموی...



خلافت معاویه دؤم اموی در سال 64 هجری قمری

معاویه پسر یزید بن معاویه در حدود سال‌های 39 تا 44 قمری، از زنی به نام "امّ هاشم بنت اُبی هاشم بن عتبّه" زاییده شد و جدش معاویه بن ابی سفیان که در آن زمان، زنده و در رأس حکومت بود، نام خود را برای وی برگزید و او را به "معاویه دؤم" موسوم نمود.

معاویه دؤم، با این که در دستگاه جنایت کارانه اموی رشد و تربیت یافته بود، با این حال اهل فتنه و فساد نبود و برای اشباع هواهای نفسانی و دست یابی به مطامع دنیوی، رغبت چندانی از خود نشان نمی‌داد.

وی، ولی عهد پدرش یزید بن معاویه بود. بدین جهت، پس از هلاکت یزید در 15 ربیع الاول سال 64 قمری به خلافت برگزیده شد و اهالی شام با وی بیعت نمودند.

خلافت وی، چندان دوام نیافت و او تنها بیست روز، یا چهل روز، یا یک ماه و نیم، یا سه ماه و بیست روز، و یا حداکثر چهار ماه در این مقام بیشتر باقی نماند و معروف است که خلافت وی، تنها چهل روز بود.

به هر روی، معاویه دؤم بدون اجبار و اکراهی، از مقام خلافت استعفا داد و خود را از این مهلکه نجات داد.

درباره علت و انگیزه اصلی کناره‌گیری وی، دیدگاه گوناگونی بیان شده است. برخی از تاریخ نگاران معروف اهل سنت که از کناره‌گیری وی ناخرسند بوده و این کار وی را ناپسند می‌دانستند، در بیان این رویداد بزرگ، صرفاً به ذکر تاریخ آن بسنده کرده و چیزی درباره انگیزه آن بیان نکردند و یا آن‌هایی که می‌خواستند در این باره نظری بدهند، انگیزه اصلی کار وی را ضعف جسمی و بیماری وی برشمردند. به هر صورت، واقعیت‌های این ماجرا را بیان نکردند.

ولی از برخی گفتارشان به دست می‌آید که وی خود را شایسته خلافت نمی‌دید و اساساً بنی امیه را لایق این مقام نمی‌دانست و در دیدگاه او، تصدی خلافت از سوی آنان، غصب خلافت بود و این مقام باید به صاحبان حقیقی‌اش می‌رسید.

بدین جهت، هنگامی که مرگش فرا رسید، درباریان و بزرگان بنی امیه از او در خواست کردند که وی جانشینی برای خویش تعیین کند تا پس از مرگ وی، مردم با او بیعت کنند، ولی وی در پاسخشان گفت: لا اُتُود مرارتها الی آخرتی و اُتُرك حلاوتها لبنی امیه؛ من از تحمل و سختی آن چیزی برای آخرتم ذخیره نکردم و شیرینی (دنیوی) آن را برای بنی امیه وا می‌گذارم.

معاویه دؤم در ایّامی که در مقام خلافت بود، کمتر در میان مردم می‌آمد و در اجتماعات و گردهمایی‌های آنان آشکار می‌شد و بیشتر در خانه می‌نشست و عزلت و خانه نشینی را ترجیح می‌داد.

"ضحاک بن قیس" که از یاران معاویه بن ابی سفیان و فرزندش یزید بود و در خلافت معاویه دؤم، مقام جانشینی خلیفه را بر عهده داشت، به جای وی در میان مردم می‌آمد و برای آنان نماز می‌خواند و به رتق و فتق امور می‌پرداخت. سرانجام مرگ معاویه دؤم فرارسید و پس از چندین روز عزلت و خانه نشینی، از این دنیا به سرای دیگر شتافت.

برخی معتقدند که قدرتمندان اموی، وی را مسموم کرده و از میان برداشتند تا زمینه را برای خودکامگی خویش فراهم کنند.

با مرگ وی در بسیاری از مناطق اسلامی آشوب و بلواهایی پدید آمد و سرانجام، " مروان بن حکم" به خلافت رسید و به عنوان چهارمین خلیفه اموی این پست مهم را تصاحب کرد و از این تاریخ، حکومت بنی امیه از تیره سفیانی به تیره مروانی منتقل گردید.

